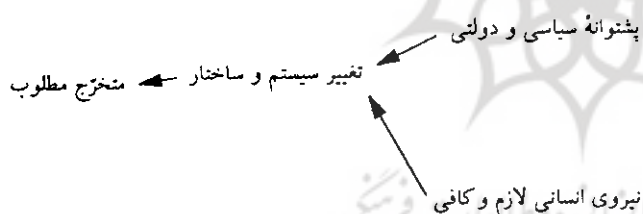


اولویت گذاری در برنامه کوتاه مدت اسلامی شدن دانشگاهها

سید مصطفی تقوی مقدم

مستلزم ایجاد زمینه‌های لازم می‌باشد. از مهمترین زمینه‌های آن یکی پشتوانه سیاسی و دولتی لازم و دیگری وجود نیروی انسانی لازم و کافی در درون دانشگاه است. این دیدگاه را می‌توان به صورت زیر ترسیم نمود:



با اعلام ضرورت اسلامی کردن دانشگاهها از سوی مقام معظم رهبری و موظف کردن مسئولان امور فرهنگی کشور برای تحقق این هدف، پشتوانه سیاسی و دولتی لازم برای این امر فراهم آمده است. اکنون باید دید که آیا هدف ایشان بدون وجود نیروی انسانی کافی تحقق پذیر خواهد بود یا نه؟ به نظر می‌رسد که جواب منفی باشد. اگر نیروی انسانی کافی در دانشگاهها وجود نداشته باشد، عزل و نصب مدیران و به کارگیری برخی از نهادها برای نظارت بر اجراء و رعایت ظواهر و شعائر نه تنها حلال مشکلات نخواهد بود، بلکه نتایج منفی به بار خواهد آورد. در شرایط کمبود یا فقدان نیروی انسانی مناسب در دانشگاه، مدیران متشرع به محافظه کاری و انفعال کشاننده شده و نهادهای دینی و انضباطی هم کارآیی خود را از دست می‌دهند. بنابراین، تأمین نیروی انسانی مناسب و کافی، اولین

برنامه‌ریزی در هر زمینه‌ای منجر به اولویت بندی می‌شود. اصولاً برنامه‌ریزی یعنی تعیین اولویت‌ها. در موارد جزئی ممکن است که یک مقوله را با یک برنامه بسیط و در یک مرحله عملیاتی به انجام رسانند، اما در موارد کلان این امر مقدور نیست. موارد کلان چون در یک مرحله به انجام نمی‌رسند، مستلزم آن هستند که مراحل متعدد انجام کار را مشخص کرده و با تعیین تقدم و تأخر آنها، به ترتیب تقدم، عملیات برنامه را شروع نمود. این یک اصل کلی و فراگیر است و از مسائل نظامی و جبهه‌های جنگ گرفته تا مسائل مربوط به اداره کشور در ابعاد سیاسی، اقتصادی و فرهنگی را شامل می‌شود. تأکید مقام معظم رهبری مبنی بر اینکه اسلامی کردن دانشگاهها مستلزم یک تحول عمیق، بنیادی، دلسوزانه، بلندمدت، برنامه‌ریزی شده و همه جانبه است، مؤید این دیدگاه می‌باشد.

برای اسلامی کردن دانشگاهها که یک برنامه کلان و حساس می‌باشد، باید پس از تعیین مراحل آن، اولویت اول را مشخص نموده و عملیات اجرایی را از آنجا شروع نمود. طبیعی است که عنایت دانشگاه، انسان سازی و تأمین نیروی انسانی متناسب با نظام جمهوری اسلامی و اداره کشور می‌باشد. البته همان گونه که در بیانات رهبر معظم انقلاب تصریح شده است، تحقق این هدف منوط به تغییر «سیستم» و «ساختار» دانشگاه و آموزش عالی می‌باشد. تغییر سیستم در بلند مدت تحقق خواهد یافت. این موضوع خود مستقلاً نیازمند تدوین یک طرح مستقل و

بنابراین، تأمین نیروی انسانی مناسب و کافی، اولین اولویت و شرط لازم برای تحقق اسلامی کردن دانشگاههاست. به همین دلیل در این برنامه بر کادر سازی برای دانشگاه تأکید می‌شود.

اگر مجموعه موانع احتمالی در روند اسلامی کردن دانشگاه‌ها را، مورد توجه قرار دهیم، مشخص می‌شود که اگر تأمین نیروی انسانی را در اولویت اول قرار دهیم، متعاقب آن و به تدریج سایر موانع به وسیله آن مرتفع خواهند شد، اما بدون نیروی انسانی کافی، مشکلات و موانع دیگر برطرف نخواهند شد و اگر به طور محدود و مقطعی برطرف شوند، متخرّج دانشگاه را مطلوب نخواهند کرد.

به عنوان مثال: سنجش گزینه‌های احتمالی زیر نسبت به نیروی انسانی مورد نیاز، نشان می‌دهد که:

۱- تغییر سیستم و ساختار آموزشی بدون وجود نیروی انسانی مناسب و کافی، مقدور نخواهد بود.

۲- مدیریت مطلوب بر دستگاهی که بدنه آن (نیروی انسانی آن) نامناسب باشد مقدور نخواهد بود.

- محتوای دروس بدون وجود نیروی انسانی مناسب تغییر مطلوبی نخواهد کرد و اگر هم تغییر کنند به خوبی تدریس نمی‌شود.

- اگر دانشگاه فاقد نیروی انسانی مناسب و کافی باشد، دانشجویان "تعلیم" و "تربیت" مطلوب نخواهند دید.

- فضای دانشگاه بدون نیروی انسانی مناسب، اصلاح نخواهد شد.

بنابراین دلایل فوق، از میان ارکان پنجگانه دانشگاه (مدیریت، استاد، دانشجو، متون درسی، فضای دانشگاه)، اولویت اول را باید به تأمین استاد مناسب و کافی برای دانشگاه داد. زیرا همان گونه که دیدیم سایر ارکان دانشگاه یا مولود این رکن هستند و یا متأثر از آن می‌باشند. اساتید بعد از دانشجویان، از نظر کمی و حتی کیفی، بزرگترین قشر دانشگاه را تشکیل می‌دهند و بیشترین تأثیر را بر آن دارند و به همین دلیل روشن می‌شود که اگر استاد مناسب به اندازه کافی در دانشگاهها وجود نداشته باشد، نه مدیران و نه نهادهای اجرایی و انضباطی کاری از پیش نخواهند برد و همچنین متخرّج دانشگاه هم مطلوب نخواهد شد.

اگر در فرایند اسلامی کردن دانشگاه، تأمین استاد مناسب در اولویت اول قرار گیرد، به تدریج مدیران مناسب، متون درسی مناسب، دانشجویان مناسب که خود معلمان و اساتید و مدیران آینده را تشکیل می‌دهند و همچنین فضای

مناسب ایجاد خواهد شد. اگر در دانشگاه استاد مناسب به میزان کافی وجود داشته باشد، مدیران کارآیی لازم را پیدا خواهند کرد، دانشجویان "تعلیم" و "تربیت" مناسب خواهند دید و متون درسی مناسب نیز تدوین شده و در نهایت فضای دانشگاه و فارغ التحصیل آن مطلوب خواهند شد.

یک دیدگاه به دلیل اینکه دانشگاه را عضوی از جامعه و متأثر از آن می‌داند، اصلاح و اسلامی شدن دانشگاه را منوط به اسلامی شدن کل جامعه می‌نماید. این دیدگاه اگر چه وجهی از حقیقت را در بردارد، اما پایه استدلالی چندان محکمی ندارد. زیرا درست است که دانشگاه یک عضو از جامعه است و با آن در داد و ستد است، اما دیدگاه مذکور به این نکته مهم و ظریف عنایت ندارد که دانشگاه ماهیتاً با سایر ارکان و اعضای جامعه متفاوت است و رسالت "ساختن" سایر ارکان فرهنگی، علمی، سیاسی، اقتصادی جامعه و "جهت بخشی" به آنها را به عهده دارد. از این رو، در فرایند داد و ستد میان "جامعه" و "دانشگاه" بویژه در بُعد فرهنگی، رابطه مساوی وجود ندارد و دانشگاه باید بسیار بیشتر از آنچه که از جامعه می‌گیرد، به آن بدهد. بنابراین، اگر حتی سایر ارکان اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و سیاسی جامعه دچار معضل و مشکل باشند، رسالت دانشگاه و علم و عالمان است که به حل معضلات آنها بپردازند، نه اینکه اصلاح دانشگاه و علم و عالمان را متوقف بر اصلاح نهادها نمایند. بدین ترتیب روشن می‌شود که برای اصلاح خانه، مدارس و آموزش متوسطه، مشکلات اقتصادی، ارائه طرح برای تغییر ساختار اقتصادی، ارائه طرح برای مسائل سیاسی و غیره باید از دانشگاه کمک گرفت و اگر دانشگاه هم اکنون به خوبی از عهده این رسالت خود بر نمی‌آید، نباید منتظر اصلاح معضلات اجتماعی شد بلکه باید دانشگاه را اصلاح کرد و بوسیله دانشگاه جامعه را اصلاح کرد.

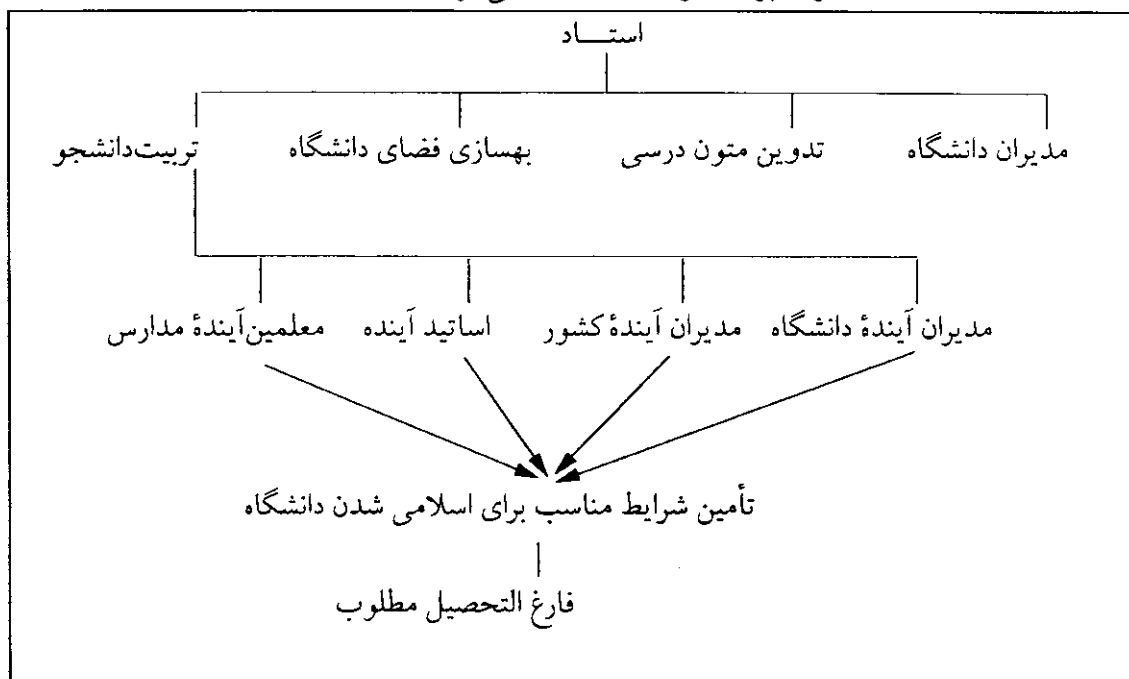
بنابراین باید از دانشگاه شروع کرد و در دانشگاه هم از اساتید، به دلایل زیر:

۱- ذات برنامه‌ریزی و اولویت‌بندی اقتضا می‌کند که از شروع عملیات اجرایی به طور همزمان و در همه ابعاد، باید اجتناب کرد و عملیات را از یک نقطه معین به عنوان اولویت اول شروع نمود.

۲- برنامه اسلامی کردن دانشگاهها بدون داشتن نیروی انسانی مناسب و کافی تحقق‌پذیر نخواهد بود.

۳- استادان در دانشگاهها هم از نظر کمی و هم از نظر کیفی نقش محوری و مولد داشته و سایر ارکان دانشگاه یا مولود آنها و یا متأثر از آنها می‌باشند. بدین ترتیب،

نمودار برنامه کوتاه مدت «اسلامی کردن دانشگاهها»:



۳- تشکیل دوره‌های ضمن خدمت.

در این دوره‌ها لازم است که به وسیله برجستگان علمی کشور (روحانی و غیرروحانی)، مسائلی از قبیل: پیش فرضهای معرفت شناختی نسبت به دین و علم و قلمرو آن دو، چگونگی جمع بین گزاره‌های وحیانی و عقلانی و علمی، مبانی تمدن غرب و دست‌آوردهای علمی - فرهنگی و سیاسی آن، مواضع و تاریخ جوامع اسلامی در قبال آن، جامعه اسلامی ایران و آینده جهان و رسالت آن و سایر مسائل کلامی و علمی مربوطه به بحث و نقد گذاشته شوند. در این راستا باید برجستگان علمی کشور که در این زمینه‌ها آمادگی لازم را داشته باشند، دعوت شده و با هماهنگی، موضوعات مذکور را در قالب سلسله درسها و مباحثی تنظیم نموده و هرکدام بخشی را به عهده گرفته و به تدوین مطالب و ارائه آنها در جلسات دوره اساتید پردازند. شرکت در جلسات دوره به عنوان اضافه کار محسوب شود.

۴- عناوین درسی دوره کارشناسی در کلیه رشته‌ها به ویژه در رشته‌های علوم انسانی تهیه شده و با هماهنگی مدیران گروههای هر رشته، اساتید با توجه به علاقه و حوزه تخصصشان عناوین درسی را به عنوان پروژه تحقیق تقبل نموده و نتیجه تحقیق خود را در حد یک جزوه درسی یا کتاب جدید تهیه نمایند.

تهیه این جزوه یا کتاب علاوه بر مزایای مادی، در گروه و پایه و ارتقاء علمی اساتید منظور گردد. بدیهی است که هر

«کادرسازی» و «تأمین اساتید» مناسب به عنوان اولویت اول در فرایند اجرای برنامه اسلامی کردن دانشگاهها پیشنهاد می‌شود.

برای کادر سازی، راهکار زیر، عملی، کم هزینه و مفید به نظر می‌رسد:

مجموعه کسانی را که می‌توانند به عنوان استاد انجام وظیفه بنمایند، می‌توان به یک اعتبار به دو دسته تقسیم کرد. الف: استادان بالفعل ب: استادان بالقوه منظور از استادان بالفعل استادانی هستند که هم اکنون به عنوان مربی، استادیار، دانشیار و استاد در دانشگاهها به تدریس اشتغال دارند. و منظور از استادان بالقوه دانشجویان دوره دکتری و کارشناسی ارشد هستند.

الف: استادان بالفعل

در زمینه بررسی وضعیت اساتید فعلی دانشگاهها لازم است اقدامات زیر در دستور کار قرار گیرد:

۱- بررسی وضعیت علمی و فکری کلیه اساتید در کلیه رشته‌ها به ویژه اساتید رشته‌های علوم انسانی و معارف اسلامی.

۲- شناسایی و تفکیک اساتید مطلوب.

معیارهای شناسایی و تفکیک اساتید عبارتند از: کیفیت علمی و عدم معارضه با دیدگاههای امام راحل (ره) و مقام معظم رهبری در مقوله‌های دین، علم، غرب، انقلاب اسلامی، روحانیت.

کدام از این اساتید در چارچوب پروژه پژوهشی خود به تدریس در دانشگاه خواهند پرداخت.

۵- از میان اساتید هر رشته و یا غیر دانشگاهیان صاحب نظر در آن رشته، شورایی تشکیل شده و به بررسی جزوه‌ها و یا کتابهایی که اساتید به عنوان پروژه تحقیق تهیه می‌کنند، پردازد و بهترین آنها و یا ترکیب و تالیفی از آنها را به عنوان متون پایه و محوری آن درس تعیین کنند.

در این صورت مشاهده خواهد شد که در مدت نه چندان زیادی، تعداد عظیمی تالیف مربوط به متون درسی تهیه خواهد شد و مشکل متون درسی به سادگی حل خواهد شد. زیرا پروژه‌های فوق به وسیله اساتید متعهد هر رشته نوشته شده و در نهایت به وسیله شورای مذکور اصلاح و تکمیل خواهد شد و بنابراین از اصالت نسبتاً مطلوبی برخوردار می‌گردد. بدین گونه نیازی به طرح‌های غیر عملی و انتزاعی که عده معدودی را ملزم به تدوین متون درسی می‌نمایند، نخواهد بود.

۶- تأمین مالی اساتید مذکور و محدود ساختن ساعات تدریس آنها و همچنین جلوگیری از اشتغال آنها به چندین شغل، مگر اینکه شغلی پژوهشی بوده و مستقیماً به حوزه تدریس آن استاد مربوط باشد. هدف از این موضوع، بالا بردن کیفیت علمی اساتید می‌باشد. زیرا ساعات زیاد تدریس و اشتغالات متعدد اساتید باعث می‌شود که آنها وقتی برای مطالعه و تحقیق جدید نداشته و در نتیجه به عنوان اساتید کم سواد، مقبول دانشجویان واقع نشوند و بدین گونه دانشجویان به اساتید غیرمتعهد و احتمالاً معاند با نظام گرایش پیدا کنند.

اگر اساتید به گونه‌ای تأمین شوند که نیازمند چندین شغل و ساعات تدریس زیاد نباشند و همانگونه که در دانشگاه‌های دیگر دنیا رایج است، موظف باشند که در حوزه تدریس خود هر ترم یا هر سال مقاله یا مقالاتی ارائه بدهند، عملاً به تحقیق و ابتکار تشویق شده و از رکود عملی خارج می‌شوند. طبیعی است که ارائه یا عدم ارائه مقاله در ارتقاء یا تنزل رتبه علمی استاد مؤثر واقع خواهد شد.

ب: استادان بالقوه

در زمینه آماده سازی اساتید بالقوه، لازم است اقدامات زیر در دستور کار قرار گیرد:

- ۱- بررسی وضعیت علمی و فکری کلیه دانشجویان دوره دکتری
- ۲- شناسایی و تفکیک دانشجویان مطلوب براساس معیارهایی که برای شناسایی و تفکیک اساتید بالفعل به کار گرفته شد.

۳- تعیین علاقه و گرایش علمی آنان با توجه به عناوین دروس دوره کارشناسی و تدوین رساله دانشجویان در حوزه‌ای که بعداً تدریس خواهد نمود. دانشجویان باید برای تعیین گرایش علمی و علاقه مطالعاتی خود و نهایتاً تدوین رساله خویش با مدیر گروه مربوطه که قاعدتاً باید فرد واجد شرایط و قابل اعتمادی باشد، مشورت نماید.

بدین گونه هر دانشجوی دوره دکتری ضمن تحصیل، گرایش تخصصی و دروسی را که بعداً تدریس خواهد نمود، مشخص نموده و مطالعات، گزارشهای درسی و رساله خود را در آن راستا تنظیم می‌نماید. با این اقدام نه تنها دانشجویان برای تدریس دروس مشخصی آمادگی عملی پیدا می‌کند، بلکه عملاً یک متن درسی هم تهیه می‌نماید.

۴- تأمین مالی دانشجویان مذکور به گونه‌ای که تمام وقت به تحصیل و تحقیق اشتغال داشته باشند و از داشتن مشاغل متعدد دیگر ضمن تحصیل شدیداً ممانعت شوند. زیرا در غیر این صورت، از نظر علمی ضعیف بار آمده و شایستگی استادی را نخواهند داشت. دانشجویان از استاد خود انتظار خبرگی و تخصص در حوزه کار خود را دارد و اگر استادی از نظر علمی ضعیف جلوه کند هم اعتبار اساتید متعهد را مخدوش نموده و هم باعث گریز دانشجویان از اساتید متعهد و گرایش آنان به اساتید غیرمتعهد می‌شود.

۵- پس از اتمام تحصیل و به مدت یکسال، هم دوره فشرده‌ای که برای اساتید بالفعل پیشنهاد شد (یا همان محتوا) گذرانده شود و هم به عنوان فرصت مطالعاتی، به مطالعه در زمینه دروسی که می‌خواهد تدریس نماید و تهیه متن درسی مربوط به آنها اقدام نماید.

۶- تشکیل یک گروه مشاوره در هر رشته، مرکب از مدیر گروه و حداقل دو استاد میبرز و متعهد. این گروه مشاوره، هم می‌تواند در تعیین گرایش علمی دانشجویان و جهت دادن آنان به سوی عناوین دروسی که رشته مربوطه برای تدریس نیاز دارد، دانشجویان را کمک نماید و هم به عنوان هیئت ممحن یا پذیرش، طی یک مصاحبه علمی، صلاحیت علمی دانشجویان و آمادگی آنان را برای تدریس، پس از طی دوره یک ساله مذکور و تهیه متن درسی، ارزیابی و تأیید و یا رد نماید.

۷- به منظور سرعت عمل و تربیت هرچه بیشتر اساتید متعهد و متخصص، افزایش سهمیه پذیرش دوره کارشناسی ارشد و دکتری ضرورت دارد تا دانشجویان مذکور به شیوه‌ای که پیشنهاد شد برای تدریس در دانشگاهها آماده شوند. در اینجا لازم به توضیح است که اگر در شیوه پذیرش

دانشجو در دوره دکتری تجدید نظر نشود، امیدی برای مشاهده متخرج مطلوب از دانشگاه نباید داشت. زیرا در گروه‌های علمی هر رشته اساتیدی وجود دارند (اگر اکثریت نداشته باشند) که رفتار آنها با دین و انقلاب و متدینین و انقلابیون و جبهه رفته و چادری و... همان است که فریاد مقام معظم رهبری را بلند کرده تا ایشان بفرمایند که دانشگاه اسلامی نیست. این‌گونه اساتید در این اندیشه‌اند که به هر نحو شده افرادی را برای دوره دکتری بپذیرند که اگر خودشان بازنشسته یا اخراج بشوند، راهشان به وسیله دانشجویان مذکور ادامه پیدا کند. بدین‌گونه است که مشاهده می‌شود معمولاً دانشجویانی نمره آورده و به مصاحبه دعوت می‌شوند که با اساتید مذکور مراد و سنخیت داشته باشند و اگر هم کسانی باشند که نمره کتبی را کسب کرده باشند اما مطلوب نظر اساتید مذکور نباشند، در مصاحبه تکلیف آنها روشن می‌شود! بدین ترتیب اساتید مذکور که بنابه فرمایش مقام معظم رهبری با واسطه و خواهش مسئولان و مدیران از دانشجویان، و با غمض عین اجازه یافتند که به عنوان استاد به دانشگاه راه یابند، در مآل اندیشی از مسئولان فرهنگی جمهوری اسلامی سبقت گرفته و گروه علمی را به سنگری برای پذیرش نیروهای مورد نظر خود تبدیل نموده و بدین وسیله به مقابله جدی با نظام اسلامی می‌پردازند. بنابراین تجدیدنظر در نحوه پذیرش دانشجویان دوره دکتری، ضرورت جدی داشته و اجتناب‌ناپذیر است. شاید سراسری کردن آزمون دکتری بتواند تا حدودی از این معضل بکاهد. البته این بحران مربوط به ترکیب کنونی گروه‌های علمی است و اگر به تدریج، ترکیب گروه‌ها تغییر یافته و افراد صالح در آنها اکثریت بیابند، پذیرش علمی و بی‌غرضانه به وسیله مصاحبه در محضر گروه علمی هر رشته، امری معقول است.

ویژگیهای راهکار

به نظر می‌رسد که اگر طرح فوق به اجراء درآید، در یک زمان ۵ الی ۱۰ ساله ثمرات خود را نشان خواهد داد. پاره‌ای از خصوصیات و فواید طرح مذکور را می‌توان به طور خلاصه به صورت زیر اشاره نمود:

- ۱- غیرانتزاعی و قابل تحقق بودن
- ۲- کم‌هزینه و پر محصول بودن
- ۳- تأمین اساتید متعهد و متخصص متناسب با اهداف نظام جمهوری اسلامی
- ۴- حل مشکل تهیه متون درسی

۵- با اکثریت یافتن اساتید مذکور:
الف: تضاد دین و علم در دانشگاه تبلیغ و القا نمی‌شود و بالعکس یگانگی این دو، به لحاظ تئوریک در حرکت علمی دانشگاه مورد توجه قرار می‌گیرد.
ب: حوزه و دانشگاه و دانشجو و روحانی، احساس مبانی مشترک و هدف واحد می‌نمایند.
ج: اسلام و انقلاب اسلامی و اهداف آن جایگاه و ارج لازم را در دانشگاه‌ها خواهند یافت.
د: غرب و تمدن غرب به عنوان الگو و مقتدا تبلیغ و القا نمی‌شود.

ه: دین و انقلاب و دینداران و انقلابیون و پاسداران شعائر دین و انقلاب عزت خواهند یافت.

و: فضای دانشگاه (ظاهری و فکری) مطلوب خواهد شد.

ز: در این شرایط، مدیران دانشگاه که از میان اساتید مذکور برگزیده شده و با آنها هماهنگی دارند، قادر خواهند بود که با موفقیت اعمال مدیریت نموده و اهداف نظام را تحقق بخشند.

ح: مدیران دانشگاه و اساتید مذکور به دلیل هم‌هدفی قادر خواهند بود که سیستم و ساختار دانشگاه را در جهت مثبت تغییر بدهند.

ط: دانشجویان تحت تربیت این اساتید و مدیران، به انسانهایی متناسب با اهداف نظام جمهوری اسلامی تبدیل شده و در این صورت است که دانشگاه موفق به انجام رسالت خود شده و متخرج آن مطلوب خواهد بود.

دو پیشنهاد مکمل:

به عنوان مکمل طرح فوق دو پیشنهاد فوق را مفید دانسته و ارائه مینمائیم:

۱- تشکیل یک گروه مشاوره در نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در هر دانشگاه

۲- استفاده از هنر برای تغذیه فکری - سیاسی

دانشجویان و مقابله با تهاجم فرهنگی

۱- تشکیل گروه مشاوره: مقام معظم رهبری در فرمایشات مورخ ۷۵/۶/۱۹ خود با مسئولان نهاد نمایندگی در دانشگاهها، ضمن اینکه حضور روحانیون در دانشگاهها را واجب دانسته، تصریح فرمودند که حضور روحانیون به منظور دخالت در مدیریت دانشگاه نیست در عین حال برای انجام وظایف خود باید پشتوانه قانونی داشته و مبسوط‌الید باشند. معظم‌له، تبیین علمی دین و انتقال عملی رفتاری و ایمان مذهبی را مقصود اصلی از حضور روحانیون در دانشگاه اعلام نموده و در پی آن می‌فرمایند: «البته وقتی

این حاصل شد، یک چیز سومی هم به وجود می‌آید که گاهی اهمیّتش از این دو کمتر نیست و آن اینکه روحانیون در دانشگاه، می‌توانند ملجأ و ملاء و رازدان و سنگ صبور تمویجات روحی جوانان هم باشند. جوان مرکز عواطف و احساسات است، واردات روحی زیادی دارد - همچنان که واردات ذهنی هم دارد - جایی احتیاج است که جوان بتواند خود را در آن جا، در پناه یک روح بزرگ و دل صبور و نفس مهربان و نیک‌خواهی قرار بدهد. این دل صبور، فکر بلند و روح نیک‌خواه عبارت است از همین روحانی که دردها و مشکلات را می‌شنود، راهنمائیهای لازم را می‌کند، همدردی و طبابت معنوی و روحی می‌کند.^۱

این بیانات، به وضوح ضرورت تشکیل یک نهاد مشاوره در نهاد نمایندگی را نشان می‌دهد. البته تفصیل این پیشنهاد، خود مستلزم تدوین یک طرح عملی مستقل می‌باشد که از حوصله نوشته کنونی خارج است.

۲- استفاده از هنر: مقابله با تهاجم فرهنگی دشمنان خارجی و داخلی انقلاب مستلزم تبیین عالمانه مبانی اعتقادی و انقلابی جامعه اسلامی، ماست. اما ابزار تبلیغ و تبیین باید متناسب با مخاطبین باشد. در تأیید این مطلب به گزیده‌ای از بیانات مقام معظم رهبری اکتفا می‌نمائیم.

معظم له می‌فرمایند: «تبلیغ به معنای رساندن است و ابزار رساندن به حسب شرایط تفاوت دارد. ... به هر حال دستگاه تبلیغ و رساندن مقدماتی دارد. باید محتوا را آماده کرد و ابزار را به تناسب انتخاب کرد... البته منبر فقط نیست، بلکه استفاده از ابزار هنری است».^۲ ایشان در مورد تأثیر و اهمیت استفاده از هنر برای تغذیه فکری مخاطبین می‌فرمایند: «هنر چیزی است که همه صاحبان شعور در جهان از آن می‌خواهند استفاده کنند. اصلاً در دنیا هیچ صاحب عقلی وجود ندارد که نخواهد از هنر استفاده کند. یکی از انواع استفاده هم این است که اندیشه ناپاکی را به وسیله هنر در ذهن انسانها بریزند مثل پول و یا سلاح که صاحبان اندیشه و روش ناپاک از آن استفاده می‌کنند. جلو این را نمی‌شود گرفت. ولی کاری که می‌توان کرد این است که ما بیاییم از آن چیزی که صاحب اندیشه ناپاک استفاده کرده یا می‌خواهد بکند، آن را در اختیار سرپنجه مقتدر اندیشه مقدس و پاک و والا قرار دهیم. و اگر اندیشه پاک، مقدس و والا نتوانست از این مایه استفاده کند عقب خواهد ماند».^۳ و در نهایت «ما باید این را باور کنیم که عمق و گسترش انقلاب، هم در داخل و هم در خارج از این مرزها، فقط و فقط با هنر امکان‌پذیر است و لاغیر».^۴ این سخنان

آنچنان گویا و محکم‌اند که بی‌نیاز از هرگونه تکمله و توضیح می‌باشند.

در راستای این دیدگاه است که هم‌زمان با اجرای طرح کادرسازی و تربیت استاد، استفاده از هنر برای تغذیه فکری دانشجویان پیشنهاد می‌شود. تفصیل این پیشنهاد نیز مستلزم تدوین طرح مستقلی است.

در مجموع با بسیج دستگاهها و امکانات هنری کشور می‌توان سوژه‌های بی‌شماری از ماهیت روابط غرب و کشورهای اسلامی، تحولات سیاسی تاریخ معاصر ایران، رابطه علم و دین، رسالت دانشگاه، رسالت دانشجو و... را به صورت فیلم و سریال تهیه نموده و مفاهیمی را بدینوسیله به مخاطبین به ویژه دانشجویان فهماند که با استدلال فکری و ذهنی نمی‌توان چنین کاری را انجام داد.

حسن ختام این مقاله را تذکر مهم و جدی رهبر معظم قرار می‌دهیم که مسئله اسلامی کردن دانشگاهها را «یک مسئله ذات ابعاد و خیلی عمیق»^۵ دانسته و تحقق آن را مستلزم «یک تحول عمیق، بنیادی، دلسوزانه، بلندمدت، برنامه‌ریزی شده و همه‌جانبه»^۶ اعلام فرمودند.

این مقاله در راستای دیدگاه معظم له، ضمن اعتقاد راسخ به اولویت بندی، «تربیت استاد» را به دلیل تأثیر سریع و همه‌جانبه آن در تحول سایر ابعاد دانشگاه، به عنوان اولویت اول پیشنهاد نموده است.

البته بدیهی است که در اولویت اول قراردادن تربیت استاد، با اجرای مسائل اداری و مراسم عقیدتی و سایر برنامه‌هایی که به تحکیم و تقویت باورهای دینی دانشگاهیان بینجامد هیچگونه تراحم و منافاتی ندارد.

پی‌نوشت‌ها:

- ۱- سخنان رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار مسئولان نهاد نمایندگی ۷۵/۶/۱۹
- ۲- سخنان رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار مسئولان سازمان تبلیغات اسلامی ۷۰/۱۲/۲۵
- ۳- سخنان رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار جمعی از هنرمندان حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی ۶۸/۸/۲۱
- ۴- سخنان رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار گروه تلویزیونی شاهد ۷۱/۱۲/۷
- ۵- سخنان رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار مسئولان نهاد نمایندگی ۷۵/۶/۱۹
- ۶- سخنان رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار وزیر فرهنگ و آموزش عالی و معاونین وی و رؤسای دانشگاهها ۷۵/۲/۲۹